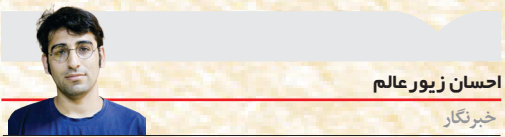


«فرهیختگان» گفت‌وگوی قدیمی شهرام اسدی با مجله «فیلم» را بازخوانی می کند

روزهای قبل از «روز واقعه»



احسان زیور عالم

خبرنگار

همه چیز از سال ۱۳۶۱ آغاز می شود. زمانی که بهرام بیضایی برای روایت کردن واقعه کربلا دست به قلم می شود و در دوران شکوه فیلم‌ها و سریال‌های تاریخی، تصمیم به نگارش متنی می گیرد تا تاریخ را از منظر خویش بازنمایی کند. نتیجه کار فیلم نمی‌شود. همه چیز به یک نسخه کتاب منتشرشده در سال ۱۳۶۳ ختم می شود. امکانات تولید برای بیضایی مهیا نمی‌شود. تیر ۱۳۶۵، در شماره ۳۸ مجله فیلم، ذیل بخشی با عنوان «معرفی و نقد کتاب»، ناصر زراعتی سراغ کتاب چاپ‌شده می‌رود. پس از دو سال، این شاید مهم‌ترین نوشتار ابتدایی درباره «روز واقعه» بوده باشد. زراعتی با یادآوری پیشینه هنری بیضایی تأکید می کند: «یکی از اقدامات متهورانه بیضایی، انتشار فیلم‌نامه‌هایش است؛ چیزی که چندان رایج نبود. باین حال زراعتی از ابتدا سبش‌اش نوشتار را آغاز نمی‌کند. او به عبارت، حق اقتباس متعلق به نویسنده است؛ اشاره می‌کند و ماجراهای بیضایی بر سر فیلم‌نامه «اتوبوس» و «کفش‌های میرزا نوروز» را که بر سر نویسنده

باعث می شود «روز واقعه» را انتخاب کند

و پاسخ این است که «من هم دوست دارم یک جهان‌بینی و فکر و پیام را تعقیب کنم

از فکر و مایه شرح مطلوبیت به‌عنوان یک

شاخصه مضمونی خوشم می‌آید و آن را تعقیب

می‌کنم. این درون‌مایه را دوست دارم.» او نقیبه به «اوپنار»

هم‌می‌زند و می‌گوید در آن فیلم هم از این شاخصه‌ها تبعیت

کرده است. پس ادامه می‌دهد: «به جرات می‌گویم و بارها

گفته‌ام که [روز واقعه] از معدود فیلم‌نامه‌هایی است که در

ایران نوشته‌شده و نقض ندارد. کامل است. روابط محکم،

شخصیت‌های کامل و بی‌نقص و بسیاری استوار و متین و

قاسم به ذات... من به خود اقسای بیضایی هم که صحبت

کردم، گفتند که شرح محخته ندارد و بیشتر دیالوگ‌ها بود.

باین حساب فیلمی که تهیه‌کنندگی آن برعهده «بنیاد

تعاون سپاه» بود، تنها با ۱۴ دقیقه ضبط متوقف می‌شود.

درباره طولانی‌شدن پروسه فیلم‌و انقطاع در تولیدش اسدی

به روحانی می‌گوید: «دلایل زیادی داشت. مقداری شاید

به علت پافشاری من روی اجرای دقیق و صحیح آن چیزی

بود که می‌خواستم. صدای سر صحنه بود و مشکلات زیاد.

استودیو آمادگی صدای سر صحنه نداشت. محل نزدیک

خیابان بود و سقف پر از کبوتر و صدای اتومبیل‌ها وارد

استودیو می‌شد. هر روز صبح همه چیز آماده نبود؛ یک‌عه

سیاهی لشکر امروز می‌آمدند و بعد فردا چهره‌های دیگری

می‌آمدند و هیچ چیز مرتب نبود... این مسائل، پافشاری

من و مسائل معمولی تولید در ایران و غیر حرفه‌ای بودن

عامل تولیدی و عادات مخصوص کار سینما در ایران، کار

را به توقف کشاند.» در نسخه ۱۴ دقیقه نخست سعید

نیک‌پور و سیامک اطلسی ایفا نقش می‌کردند. جایی

در مصاحبه روحانی می‌پرسد آن ۱۴ دقیقه‌ا داور می‌برد

و پاسخ «بله» است.

تولید فیلم پنج‌سال بعد دوباره کلید می‌خورد. «روز واقعه» اما

بیش از آنکه به نام شهرام اسدی شهره شده باشد، بر تارک

خویش‌نام بیضایی‌رامی‌ببند. اسدی درباره بیضایی می‌گوید

درباره شکل اجرایی اساسا با او صحبتی نکرده است؛ بلکه

«من طی برداشت خودم از فیلم‌نامه دنبال اینها رفتم. وقتی

فیلم‌نامه را دست گرفتیم، حتی معنای خیلی از واژه‌ها را

نمی‌دانستیم که مثلا حاره چیست؛ اما رفته به بوشهر و

خوزستان و لایه‌ای کتاب‌ها تحقیق کردم.» در اینجا سست

که یک جدال تاریخی نیز مطرح می‌شود. هم‌راه ۱۳۹۴،

محمد رحمانیان تصمیم می‌گیرد فیلم‌نامه «روز واقعه» را

نمایش‌نامه خوانی کند؛ اما بیان یک

حرف، فضا را جدلی می‌کند. او

می‌گوید: «در این فیلم صحنه‌هایی

حذف‌شده‌بود، ضمن اینکه نیمی

از اسامی شخصیت‌ها نیز تغییر

یافته بود. «این صحبت‌های رحمانیان با پاسخ اسدی همراه

است؛ اما در همان مصاحبه نیز اسدی گفته بود در متن

بیضایی دست برده است. او به روحانی از سختی‌های ادای

واژگان بیضایی می‌گوید که برای بازنگران بیانش سخت

است، پس «کار اوایل به همین علت خیلی مشکل بود؛ ولی

بعد دریافتند که من اصرار دارم مطابق متن باشد. این آگاهی

باعث حل خیلی از مشکلات شد. اصالت متن را حفظ کردم؛

اما چیزهایی بود که عنوان کردند از نظر شرعی اشکال دارد.

عمده‌ترینش این بود که گفتند ندای یاری طلبانه به یک

آدم عادی نمی‌رسد و چنین چیزی در احادیث نیست؛ مگر

آنکه جزء اولیا و انبیا باشد یا با واسطه‌ای باشد یا در خواب

ورویا... یکی از تغییراتی که اینجا پیش آمد و سعی کردم

کوتاه‌ و موجز و کوچک‌ باشد تا اصل تکان نخورد، شخصیتی

است به نام اسودآهنگر که به‌عنوان واسطه وارد قصه کردم.»

بخش حذف مهم دیگر، حذف کامل فصل «شهریانو» از

فیلم‌نامه بود که اسدی درباره آن می‌گوید: «فصل شهریانو

را من بسیار علاقه داشتم که باشد؛ اما گفتند که من یک

سند معتبر بیابرم که این وجود داشته و من هیچ سند و

ماخذ معتبری نیافتم. مت‌آختر و در دوره صفویه می‌بینیم

که حدیث ذکر شده با مورخ نوشته که در فلان تاریخ دختر

یزدگرد سوم، شهریانو حضور داشته و در فلان تاریخ، امام

حسین (ع) را می‌بینیم که این دو، صدسالی با هم فاصله

دارند. شک می‌شود که اصلا شهریانو نامی وجود داشته

و جزء هم‌راهان حضرت در واقعه کربلا باشد و نزدیک‌تر

که می‌شویم و به دوره و ضلع الصفا و دوره قاجار می‌رسیم،

می‌بینیم که قضیه بروز می‌کند و همه‌جا صحبت هست.»

البته اسدی درباره ادعای تغییر دادن‌ماه‌از سوی رحمانیان

در مصاحبه‌ای به سال ۱۳۹۴ در خبرگزاری مهر می‌گوید:

«اساسا دلیلی برای این تغییر وجود ندارد. فیلم‌نامه

۶ شخصیت اصلی دارد که به اسامی آنها در دیالوگ‌ها

اشاره می‌شود و انبوهی اسامی شخصیت‌های فرعی که

تغییر آنها مطلقا محلی ا اعراب ندارد، چون در تصاویر فیلم

اشاره‌ای به آن اسامی نمی‌شود؛ مثل پیاده، مرد نصرانی،

جوان بی‌طاقت، زن، پیرمرد و... تنها اسم تغییر کرده که

اتفاقا از سوی خود آقای بیضایی انجام‌شده، تعویض اسم

شخصیت اسدی (عبدالله) در نسخه و آگذاری به تهیه‌کننده

است که در نسخه انتشاراتی به شملی برگردانده‌شده است.»

البته در فیلم‌نامه بیضایی صحنه عبور از کاخ کسری هم

وجود دارد که به سبب حذف شهریانو و ارتباط این دو با هم،

محذوف می‌شود. «طبیعتا وقتی این را نداریم، عبور از طاق

کسری و ایوان مدائن که در فیلم‌نامه بود هم لق می‌شود و من

سعی می‌کردم نگه دارم و خیلی هم جدل کردم و دوستان

فارابی و شوری فیلم‌نامه را راضی کردم تا حدودی که اینها

حفظ شوند، هر چند از نظر موقعیت جغرافیایی و مسیر عبور

عبدالله، هیچ جور نمی‌شود طاق کسری را وسطا راه کربلا

بگذاریم...»

باز گشت به خویشتن، و تولدی دیگر

شازده تنگلو

فرماندهی

فرماندهی

فرماندهی

گذاشت و صحیح نیست. البته من می‌فهمیدم که منظور

آقای بیضایی از این فصل چه بوده.»

مساله دیگر پایان فیلم است که خود اسدی در مصاحبه

مجله فیلم توضیح می‌دهد: «خیلی‌ها گفتند که انگار فیلم

دو پایان دارد. در فیلم‌نامه بیضایی هم وجود دارد. به‌علاوه

که صحنه‌ای است لازم. چون شاهدهی علاقه‌مند، دارد

واقعه را برمی‌گرداند و به مردم می‌رساند. تازه من شیفته آن

جمله‌های آخر درباره حقیقت بودم. از آن جمله‌ها و کلمات

است برای همیشه تاریخ.»

مصاحبه از تکاپو می‌آید. روحانی درباره اسلبلب اجرایی

می‌پرسد و تأثیر نمایش‌های آیینی بر فیلم. «من فیلم‌را آیینی

ندیدم.» این پاسخ اسدی است که به بار آیینی، فیلم چیزی

نیفزوده است. بی‌شک چنین تصویری از سوی روحانی به

نگرش بیضایی باز می‌گردد که پیش از «روز واقعه» در دنیای

تعزیه کارهای بزرگی کرده‌بود. در اینجا اسدی عقب‌نشینی

می‌کند که از تعزیه بهره برده است. «هم به محل‌ها رفتم و

فیلم و صدا گرفتم و با افراد صحبت کردم‌ام و هم کتاب‌ها را

خواندم و فیلم‌هایی که وجود داشت، دیدم.»

در مصاحبه درباره برخی سختی‌های کار هم پرسش

می‌شود. مثلا درباره کار به سیاهی لشکر‌ها که لازمه

فیلم‌های تاریخی است و اسدی از سختی این موضوع

می‌گوید. از اینکه چقدر ساختن فیلم تاریخی سخت است

و مستلزم داشتن تخصص. «ما در مقوله جلوه‌های ویژه و کار

با حیوانات خیلی مرارت کشیدیم. هیچ تخصصی در این

زمینه‌ها نداریم. روی هیچ چیز و هیچ کس در این زمینه‌ها

نمی‌شود حساب کرد. شما واقعا با چشم بسته در یک

بار تصویر یک من استوار

در تقای

بار تصویر یک من استوار

بار تصویر یک من استوار

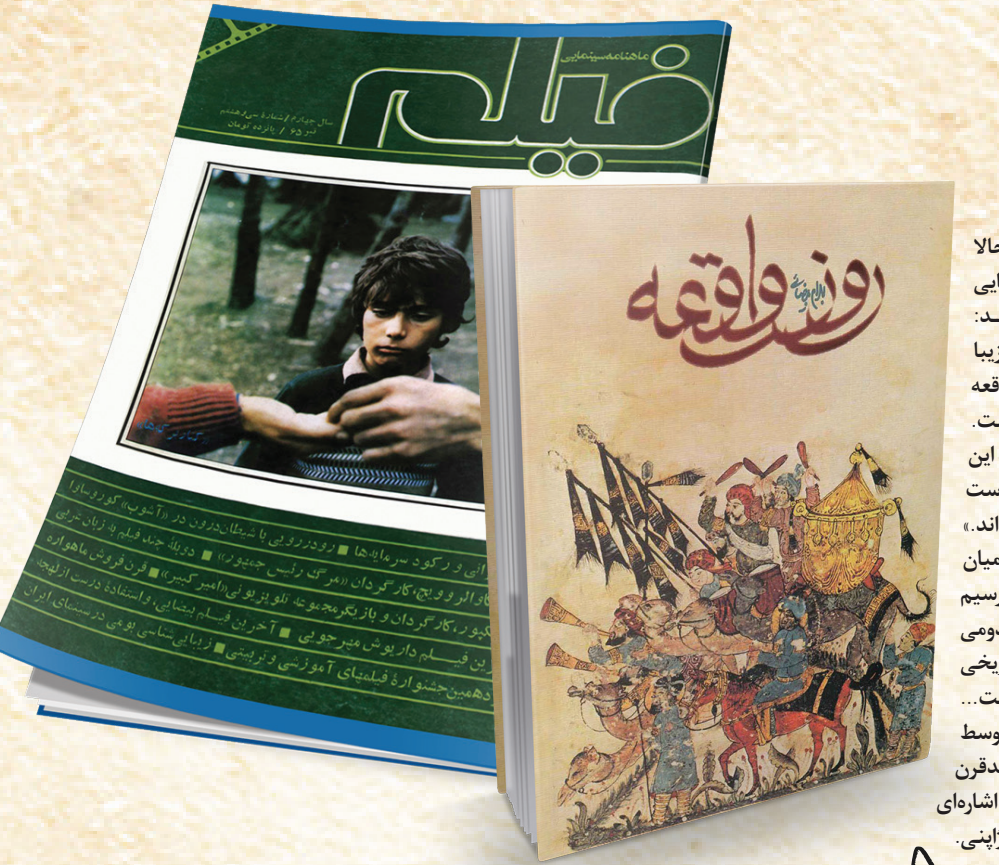
بار تصویر یک من استوار

بار تصویر یک من استوار

بار تصویر یک من استوار

بار تصویر یک من استوار

بار تصویر یک من استوار



برهوت هستیید. جلوه‌های ویژه با مسئولیت حفظ حیوانات

هم مثل هر کاری یک تخصص است.» روحانی از او درباره

یک جلوه ویژه مشهور فیلم هم می‌پرسد، جایی که خون

از زیر سنگ بیرون می‌جهد. تصویری که بعدها پای ثابت

تصاویر ویژه محرم می‌شود. روحانی تصور می‌کند:ان صحنه

مشهور محصول کار کامپیوتر است. اما اسدی توضیح

می‌دهد: «فکر و اجرای خودم است. یک تیوب لاستیکی

است و کسه‌ای پر خون و پمپ که دست من بود و خودم

می‌زنم. درمان خورشید کامپیوتری است. خیلی زحمت

کشیده‌شده، اما آن چیزی نیست که باید باشد. دوست

داشتم آسمان شکاف بخورد و اتفاقی در آسمان بیفتد و

نشد. همه چیز می‌رفت طرف فانتزی و نوع علمی-خیالی

که خطرناک بود. با سرب‌ها واقعا این نیست. منتها من

دیدم همین است و در خط فیلم است و چاره‌ای نبود. در

کارهای فنی مشکلات ما ریشه‌ای است.»

مصاحبه تمام می‌شود. تابستان ۱۳۷۴ در شماره ۱۷۵ مجله

فیلم اقدام به انتشار پرنده‌ای برای «روز واقعه» می‌کند؛

اما آنجا هم خبری از بیضایی نیست. «فقط‌و‌گوی کوتاهی

با عزت‌الله انتظامی در آن شماره منتشر می‌شود، اما باز

هم چندان به ماجرای رابطه بیضایی و «روز واقعه» پیش

نمی‌رود. در دوران خاموشی مجموعه سوره، مجله نقد

سینما به سرب‌بری مسعود فراستی چندان به «روز واقعه»

توجهی نمی‌کند. در آن روزها صرفا یادداشتی کوتاه از برتو

احمدی در شماره پنجم نقدسینما منتشر می‌شود که اساسا

با فیلم مخالف است و آن را ملغمه‌ای می‌داند از سینمای

وسترن و کیش‌ها.



فرماندهی

فرماندهی

فرماندهی

فرماندهی

فرماندهی

فرماندهی